

مصر از تحت‌الحمایگی فرانسه و بریتانیا تا استقلال واقعی

۱۳ اسفند ۱۴۰۱ ساعت ۰:۴۶

مصر یکی از کشورهای مهم آفریقایی- آسیایی است که در قرن نوزدهم قربانی استعمار شد. این کشور ابتدا بخشی از قلمرو امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد، اما در اوایل قرن نوزدهم با حمله انگلیس و فرانسه به اسکندریه، بخشی از آن تحت استعمار و تملک دو کشور درآمد و بعد از آن انگلیس موفق شد سیطره خود بر این کشور را گسترش دهد. مصر تا اواسط قرن نوزدهم همچنان تحت سیطره انگلیس بود، اما در نهایت توانست با ملی کردن کانال سوئز، از یوغ استعمار نجات یابد.

مصر یکی از کشورهای مهم آفریقایی- آسیایی است که در قرن نوزدهم قربانی استعمار شد. این کشور ابتدا بخشی از قلمرو امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد، اما در اوایل قرن نوزدهم با حمله انگلیس و فرانسه به اسکندریه، بخشی از آن تحت استعمار و تملک دو کشور درآمد و بعد از آن انگلیس موفق شد سیطره خود بر این کشور را گسترش دهد. مصر تا اواسط قرن نوزدهم همچنان تحت سیطره انگلیس بود، اما در نهایت توانست با ملی کردن کانال سوئز، از یوغ استعمار نجات یابد.

آغاز استعمار غرب بر مصر

مصر در اوایل قرن نوزدهم، توسط فرانسه اشغال شد. پیش از آن، مصر جزئی از قلمرو عثمانی محسوب می‌شد، اما در اوایل قرن نوزدهم، ناپلئون بناپارت با لشگرکشی به این کشور، مصر را به اشغال خود درآورد. اهمیت اشغال مصر به حدی بود که «بناپارت بعد از بازگشت پیروزمندانه از آن از نوعی قدرت کاریزماتیک برخوردار و به برکت آن خود را از شر هیئت مدیره رها ساخت و خود را با عنوان کنسول اول فرانسه با اختیاراتی بیشتر از یک رئیس‌جمهور یا پادشاه مشروطه در راس هرم قدرت مستقر ساخت. ۱ البته بناپارت در آن سال‌ها، علاوه بر مصر، ایتالیا را نیز از آن خود ساخت. سیادت فرانسه بر مصر، آغاز دوران بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی این کشور از مصر بود.

البته در کنار اهداف سیاسی و اقتصادی، فعالیت‌های فرهنگی نیز وجود داشت. فرانسه زبان و فرهنگ فرانسوی را وارد کشور استعمار زده می‌کرد و معتقد بود که از این طریق مردم کشور مستعمره در مقابل آنان سر تعظیم فرود می‌آورند و تسلیم می‌شوند و بدین وسیله کشور استعمار زده ذوب در فرانسه می‌شود. نمونه دیگری از استعمار فرهنگی فرانسه تشکیل بنیاد مصر است؛ این بنیاد که به ظاهر انجمنی علمی برای پژوهش در تاریخ و فرهنگ مصر باستان بود، توسط ناپلئون تشکیل گردید و به تقویت سیاست فرهنگی فرانسه در مصر کمک شایانی نمود. ۲

فرانسه تا اواسط قرن نوزدهم، قدرت برتر در مصر بود. در زمان ناپلئون سوم، این کشور کانال سوئز را ایجاد کرد. کانال سوئز، رابط مدیترانه به اقیانوس هند بود. وقتی این کانال ساخته شد، کمتر کسی به اهمیت آن واقف بود، اما وقتی اهمیت تجاری آن برای

کشورهای غربی آشکار شد، آنها نیز به فکر دست و پا کردن مستعمراتی در مصر کردند. انگلیس از جمله کشورهایی بود که به این فکر افتاد.

ورود استعماری انگلیس به مصر

انگلیس در راستای تحرکات استعماری خود در قرن نوزدهم، متوجه اهمیت مصر شد. این دوران، دورانی بود که مصر از نظر اقتصادی در وضعیت بدی به سر می‌برد و با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه بود. این کشور گرچه دارای والی بود، اما عملاً هیچ اقدامی از سوی والی مصر صورت نمی‌گرفت. این شرایط، زمینه نفوذ انگلیس را فراهم کرد و این کشور توانست با خرید بخشی از سهام کانال سوئز از والی مصر، عملاً در اداره این کشور سهیم شود. اما انگلیس به این سهم قانع نشد و در پی کسب غنائم بیشتر درآمد. در واقع بریتانیایی‌ها که می‌دیدند کنترل مصر برای امنیت کانال لازم است، در پی بهانه‌ای بودند تا در آن کشور مداخله کنند. این فرصت در ۱۸۸۲ هنگامی پیش آمد که حکومت مصر، که در آستانه ورشکستگی بود، با شورش در داخل صفوف ارتش خود روبرو شد. بریتانیایی‌ها اعلام داشتند مداخله از خارج برای اعاده نظم و احیای اقتصاد محلی لازم است و در ۱۸۸۲ کنترل مصر را به دست گرفتند.^۳

کنترل بریتانیا بر مصر به صورت اشتراکی و توسط فرانسه صورت گرفت. بدین ترتیب در سال ۱۸۷۹ انگلستان و فرانسه، رسماً نظارت دوگانه خویش را بر مصر اعمال کردند و عملاً امور کشور را به دست گرفتند. ورود انگلیس به مصر، باعث شد تا در اواخر قرن نوزدهم چندین جنبش ناسیونالیستی علیه این کشور صورت بگیرد که رهبری آن را یکی از افسران میهن پرست به نام عربی پاشا بر عهده داشت. اما هر یک از آن جنبش‌ها، به دلایلی محکوم به شکست شدند. تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم با روی کار آمدن عباس ثانی، مقدمات مبارزه با استعمار شکل گرفت. در همان دوران، علاوه بر جنبش ثانی، مصطفی کامل نیز پا به عرصه مبارزات ضد استعماری گذاشت. کامل، یک ملی‌گرای شجاع بود که توانست امید را در دل بسیاری از مصریان که امیدی به مبارزه نداشتند، زنده کند. اما هر دو جنبش علیرغم آنکه در نوع خود منحصر بودند، راه به جایی نبردند و با شکست مواجه شدند.^۵

مصر تا سال ۱۹۴۵ تحت الحمایه انگلیس باقی ماند. درست مانند بسیاری از کشورهای مستعمره که در قرن نوزدهم تحت استعمار قدرت‌های غربی همچون فرانسه و انگلیس بودند. اما بعد از پایان جنگ جهانی دوم و با ملی اعلام کردن کانال سوئز، این کشور توانست رسماً به استقلال واقعی برسد. بر این اساس «به دنبال خودداری آمریکا از اعطای وام به مصر برای ساختمان سد عالی اسوان، جمال عبدالناصر در چهارمین سالگرد انقلاب مصر در چهارم مرداد ۱۳۳۵ (۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶) کانال سوئز را ملی اعلام کرد و متعاقب آن بحران بزرگی در خاورمیانه بروز کرد که توجه جهان را به خود جلب نمود. ۶ عبدالناصر که دکتر مصدق را زعیم خود در ملی کردن کانال سوئز می‌دانست، با اقدام خود ادامه دهنده راه دکتر مصدق و الگویی دیگر برای کشورهای مستعمره در رهایی از استعمار و کسب استقلال سیاسی و ملی شد.

سخن نهایی

بسیاری معتقدند که اطلاق واژه مستعمره به کشور مصر اشتباه است، زیرا این کشور نیز به مانند ایران هیچ گاه به استعمار کامل کشورهای غربی درنیامد. از این رو معمولاً برای توصیف سیادت فرانسه و انگلیس بر کشور مصر، از عنوان‌های نیمه استعماری یا تحت‌الحمایگی استفاده می‌شود. فارغ از آنکه مصر را یک کشور مستعمره بدانیم یا تحت‌الحمایه، وواقعیت آن است که سلطه این

دو کشور بر مصر آغازگر دوران چپاول و غارت منابع مختلف این کشور بود. چنانچه بسیاری از آثار تاریخی این کشور توسط بریتانیا و فرانسه به سرقت رفت و بخش مهمی از منابع آن توسط این دو کشور مورد غارت قرار گرفت.

فهرست منابع

۱. احمد نقیب‌زاده، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۳، ص ۴۷.
۲. مصطفی اسکندری، شناخت استعمار، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۸۹، ص ۴۷.
۳. دان ناردو، عصر استعمارگری، ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۶، صص ۲۷-۲۸.
۴. حمید احمدی و یاسمن یاری، "نقش سعد زغلول در نهضت ناسیونالیسم مصر" مطالعات تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۲۱، (تابستان ۱۳۹۳) ص ۱۱.
۵. همان، ص ۱۲.
۶. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، صص ۱۳۷-۱۳۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/49108/واقعی-استقلال-بریتانیا-فرانسه-الحمايگی-تحت-مصر>